
جرایم قانون هدفمندسازی یارانه ها در ایران

احسان سیفی^۱ و دکتر حسین بزرگ نژاد^۲

چکیده

جرم، به عنوان یک پدیده انسانی و اجتماعی، از تمام ابعاد زندگی انسان تأثیر می‌پذیرد. سیاست‌های اقتصادی دولت نیز، باتوجه به اثری که بر زندگی اقشار مختلف مردم می‌گذارد، اثرات مستقیم و غیرمستقیمی بر مدل کلی بزهکاری خواهد گذاشت. این سیاست‌ها، از یک سو زمینه جرم‌زایی برخی از جرایم را کاهش داده و از سوی دیگر بستر ارتکاب جرایم جدید و طیف جدیدی از بزهکاران و بزه‌دیدگان را فراهم می‌آورد. قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، به سبب تحولات اقتصادی خرد و کلانی که به دنبال داشته است، افق‌های ناشناخته‌ای را پیش روی جرم‌شناسان قرار داده است. حذف یارانه انرژی و کالاهای اساسی و آزادسازی قیمت‌ها و پرداخت نقدی یارانه‌ها، ضمن تشدید برخی چالش‌های اقتصادی مانند تورم و بیکاری، قشر وسیعی از مردم را با دغدغه معیشت مواجه نموده است و به تبع آن، به برخی از بزهکاری‌ها به ویژه بزهکاری‌های اقتصادی مانند سرقت و احتکار کالا دامن زده است. لذا با توجه به رابطه علیتی عمیق میان جرم و شرایط اقتصادی، لزوم بکارگیری تدابیر سنجیده برای کاستن از تبعات جرم‌زای قانون و پیشگیری از بزهکاری‌های ناشی از آن با توسل به اقدامات پیشگیرانه اجتماعی، ضروری به نظر می‌رسد. در این تحقیق به بررسی جرایم قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در ایران می‌پردازیم.

کلید واژگان: هدفمندی، یارانه‌ها، جرایم، قوانین، ایران

۱. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی Iranjuristic@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن [bozorg@yahoo.com](mailto:bozorg@yahoocom)

مقدمه

امروزه یکی از اهداف مهم دولت‌ها، توسعه و رشد اقتصادی است. در حال حاضر، دستیابی به امنیت پایدار و تأمین ثبات سیاسی، بدون پیگیری توسعه و تحقق آن و تلاش در راستای تأمین رفاه و معیشت شهروندان میسر نیست. به همین دلیل، دولت‌ها یکی از مهم‌ترین اهداف خود را، توسعه اقتصادی و بهبود شاخص‌های زندگی مردم قرار داده اند و بر این مبنا به تدوین و طراحی سیاست‌ها و قوانین مورد نیاز می‌پردازند. بر همین اساس، جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان جنایی نیز در بررسی عوامل جرم‌زا، فقر و عامل اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهند و برخی دیگر برای عوامل اقتصادی در ارتکاب جرایم تأثیر غیرمستقیم قائل‌اند. بدیهی است مادامی که فقر، بیکاری و سایر شرایط اقتصادی-اجتماعی مرتبط با جرم، درحقیقت علل ایجاد جرم از بین نرفته باشد، واکنش در برابر جرم چندان مؤثر نخواهد بود. یارانه (سوبسید) نیز از جمله ابزارهای مهم اقتصادی دولت‌ها برای حمایت از اقشار و فعالیت‌های تولیدی آسیب‌پذیر است. میزان دخالت و نحوه پرداخت یارانه‌ها در نظام‌های مختلف اقتصادی متفاوت است. هدف اصلی از توزیع یارانه دولتی کمک به اقشار آسیب‌پذیر جامعه است، با این حال، روش پرداخت یارانه عام، گاه به دلیل واقعی نبودن قیمت کالای یارانه‌ای، موجب عدم تخصیص کارآمد منابع، کسری بودجه و در نتیجه آثار سوء کلان بر اقتصاد ملی می‌شود. همچنین تعیین یارانه برای کالاهای اساسی مانند بنزین، نفت، شکر، آرد و امثال آن باعث رونق قاچاق این گونه کالاها می‌شود و بازار سیاه برای خرید و فروش به وجود می‌آورد. در ایران نیز گرچه این شیوه از نظر اجرایی آسان بوده، اما موجب از دست رفتن کارایی اقتصادی و عدم تحقق توسعه اقتصادی شده است. لذا در سال ۱۳۸۴ ستادی به نام «شورای راهبردی اقتصادی دولت» تشکیل شد و به بررسی، شناخت و ریشه‌یابی مشکلات اصلی اقتصاد کشور پرداخت. از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث این ستاد، موضوع هدفمند کردن یارانه‌ها به عنوان یکی از محورهای طرح تحول اقتصادی دولت بود که در نهایت به ارائه لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها از سوی دولت منجر شد.

پیشینه پژوهش

پرداخت یارانه در جهان: تاریخچه یارانه در جهان از دوران انقلاب صنعتی و پیدایش مکتب سوداگری آغاز شد و تشویق و حمایت از تولیدهایی که بازار مناسبی در جهان داشت، مورد توجه قرار گرفت و دولت به حمایت از برخی تولیدهای خاص مبادرت کرد. پس از جنگ جهانی

دوم دولت‌ها ناچار به دخالت بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی از جمله سهمیه‌بندی و قیمت‌گذاری کالاها شدند. و قدرت اقتصادی در روابط بین‌المللی اهمیت یافت و بسیاری از کشورهای جهان برای دستیابی به قدرت اقتصادی بیشتر به اتخاذ سیاست‌های حمایتی پرداختند که این سیاست‌ها در کشورهای جهان سوم هنوز هم ادامه دارد (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲، ۲۹۸).

پرداخت یارانه در ایران: در ایران پرداخت یارانه‌ها به حدود نیم قرن بشر می‌رسد. در سال‌های نخستین پس از انقلاب، مصرف برخی از کالاها مانند: نان، قند، شکر و سوخت همچنان مشمول یارانه بود. پس از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ دولت برای بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ و توسعه اقتصادی، برنامه اول را ارائه کرد. سیاست حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در قالب پرداخت یارانه کالاهای اساسی نیز اعمال شد. دیدگاه کلی مسئولان اقتصادی در طول برنامه دوم، گرایش عملی به سمت توزیع کالاهای یارانه‌ای به صورت تعادلی، تنظیم بازار صنفی و صنعتی یا حتی بازار آزاد و در نتیجه کاهش یارانه‌ها بود. در برنامه سوم، هدفمند ساختن یارانه‌ها به نفع گروه‌های کم‌درآمد و کاهش سهم یارانه‌ها و قطع تدریجی آن برای خانوارهای پردرآمد مورد توجه قرار گرفت (مؤسسه تحت ایتا تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲، ۲۹۸). در برنامه چهارم، دولت مکلف شد به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهک‌های درآمدی، توانمندسازی فقیران با تخصیص هدفمند منابع تأمین اجتماعی و پرداخت یارانه، برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را به اجرا بگذارد.

روش تحقیق

در این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی توصیفی تلاش بر این بوده است که بررسی قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در ایران و سایر کشورهای جهان با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مورد استفاده قرار گیرد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

روش کتابخانه‌ای یکی از اصلی‌ترین بخش‌های هر کار پژوهشی را گردآوری اطلاعات تشکیل می‌دهد، که به خوبی انجام گردد و نتیجه‌گیری از داده‌ها با سرعت و دقت خوبی انجام خواهد شد و اصلی‌ترین بخش گردآوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری داده‌ها ی زیربنایی

نظری پژوهش از کتب، پایان نامه ها و نشریات و مقالات داخلی و خارجی است و سایت های مختلف استفاده می شود.

مفاهیم

مفهوم یارانه: به هرگونه پرداخت انتقالی که به منظور حمایت از اقشار کم درآمد و بهبود توزیع درآمد از محل خزانه دولت صورت گرفته، یا به صورت نقدی یا کالایی به خانوارها و تولید کنندگان کالاها و خدمات تعلق می گیرد، یارانه اطلاق می شود. (سازمان مدیریت، ۳۰، ۱۳۸۰)

مفهوم جرم: در حقوق جزای عرفی: «جرم، عبارت است از عملی که قانون، آن را قدغن کرده، یا ترک عملی که قانون آن را لازم دانسته و بر آن عمل یا ترک، کیفری مقرر داشته است» (فیض، ۱۳۷۰، ۲۵).

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، درباره تعریف جرم، به ضمانت اجرای کیفری مجازات های مقرر در ماده ۱۲ قانون یاد شده، اکتفا کرده و مقرر می دارد: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود». یکی از ضمانت اجرای نقض اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها، ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی است که مقرر می دارد: «هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مأموران ذی صلاح برخلاف قانون، توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند، به انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد». جرم شناسان، ناسازگاری افراد را در اجتماع، عمل ضداجتماعی و جرم می نامند.

مفهوم هدفمندسازی: منظور از هدفمندسازی، تعیین کسانی است که واجد شرایط دریافت کمک های انتقالی هستند. بنابراین، انتخاب و تعیین افراد واجد شرایط و گروه های هدف، شرط لازم هدفمندسازی است. همچنین منظور از جامعه هدف، افراد و خانوارها یا گروه هایی هستند که در چارچوب طرح هدفمندسازی یارانه ها مورد حمایت قرار می گیرند. (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۸۸)

طرح هدفمندی یارانه نقدی: یکی از اصلی ترین محورهای باقی مانده از سیاست های اصلاح ساختاری برنامه های پنج ساله توسعه است. با توجه به این که اصلاح قیمت حامل های انرژی، منابع مالی جدیدی را برای دولت فراهم می آورد، یکی از سیاست های متخذه در لایحه

هدفمند کردن یارانه‌ها آن است که منابع مالی مکتسبه به عنوان پروژه نقدی کردن یارانه‌ها در اختیار مردم قرار گیرد. (نسیمی پور آذر، ۱۳۶۹، ۵۴).

پذیرش طرح نقدی کردن یارانه‌ها، در بین آحاد جمعیت، انتظارات جدیدی را خلق می‌کند که سریعاً به «حقوق مکتسبه» مبدل می‌شود. در این طرح هیچ‌گونه سازوکارهای اقتصادی فراهم نمی‌شود، زیرا افراد بدون انجام فعالیت اقتصادی، می‌توانند مزد بگیرند.

تورم ناشی از طرح هدفمندی یارانه نقدی: در لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، سطح قیمت گذاری‌های دولت به گونه‌ای است که افزایش قیمت‌ها را برای همه حامل‌ها و به صورت هم‌زمان و از ابتدای سال ۱۳۸۸، قطعی می‌داند. چنانچه سناریوی افزایش قیمت کلیه حامل‌ها به صورت هم‌زمان و یک‌باره انتخاب شوند درصد افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده معادل ۴۸/۶ درصد و درصد افزایش شاخص هزینه تولیدکننده ۶۳/۶ درصد خواهد بود که به سطح قیمت‌های پایه اضافه می‌گردد.

تحلیل علت شناختی جرم و شرایط اقتصادی: جرم‌شناسی در ابتدا در قالب علت‌شناسی جنایی متولد شد. رویکرد اصلی در نظریه‌های علت محور، این است که جرم معلول یک دسته عوامل است و با شناخت این عوامل، جرم از بین خواهد رفت. جرم در این رویکرد، تحت تأثیر عوامل فردی و محیطی ارتکاب می‌یابد؛ بزهکار به لحاظ روان‌شناختی، فیزیولوژیکی و یا جامعه‌شناختی با دیگران متفاوت است، بنابراین با پی بردن به عوامل دور و نزدیک بزهکاری و رفع آن‌ها، می‌توان او را اصلاح و به یک انسان عادی تبدیل کرد (نجفی ابرندآبادی، ۲۱۹، ۱۳۷۰).

تأثیر عوامل اقتصادی در بزهکاری نه فقط از نظر جرم‌شناسی مورد بحث است، بلکه در زمینه‌های ایدئولوژی‌های سیاسی نیز بر سر آن مناقشه حادی درمیان است. همچنین در زمینه پیش‌بینی تحول بزهکاری، تأثیر عوامل اقتصادی از موقعیت خاص و اساسی برخوردار است (کی‌نیا، ۱۳۸۸، ۱۸۳).

«گری بکر»^۱ می‌گوید: یک بزهکار عقلایی^۲ و غیراخلاقی، با در نظر گرفتن منافع مورد انتظار ناشی از جرم، برای شرکت در فعالیت‌های مجرمانه تصمیم‌گیری می‌کند، به این ترتیب انگیزه‌های سودجویانه در ارتکاب جرم مؤثرند.

^۱.Becker

^۲.Rational Criminal

انواع محرومیت‌های اجتماعی، فقر و درآمد پایین موجب می‌شود تا مجرمان بالقوه با چشم‌انداز نا امیدکننده‌ای از زندگی خود در آینده مواجه باشند، و به جرم به عنوان یک فرصت درآمدی که می‌تواند کمبودهای زندگی را جبران کرده و موقعیت اجتماعی بهتری را حاصل کند، می‌نگرند که این مسأله می‌تواند انگیزه ارتکاب جرم را در جامعه افزایش دهد. در نتیجه تبیین رابطه میان جرم و شرایط اقتصادی، ضروری است.

جرم و شرایط نامساعد اقتصادی: جرم و جامعه دو واقعیتی هستند که با هم ارتباط مستقیم داشته و در تأثیر و تأثر متقابل با یکدیگر می‌باشند. زمینه‌های بروز هر جرم در شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ای نهفته است که بر آن جامعه حاکم می‌باشند و متقابلاً به همان میزان که شرایط اجتماعی بر نوع و میزان ارتکاب جرائم تأثیر می‌گذارد، جامعه نیز از وقوع جرائم مختلف تأثیر می‌پذیرد.

ارتباط بین جرم و عامل اقتصادی، از جمله قدیمی‌ترین دیدگاه‌های ارائه شده در خصوص تبیین رفتار مجرمانه می‌باشد. قبل از بوجود آمدن جرم‌شناسی نوین و ارائه دیدگاه‌های علمی در تبیین بزهکاری، فلاسفه و اندیشمندان بسیاری، تأثیر فقر در وقوع جرایم را بررسی کرده‌اند. با پیدایش جرم‌شناسی علمی نیز، می‌توان دیدگاه‌های مختلفی را ملاحظه کرد که بین بزهکاری و عامل اقتصادی، رابطه مثبتی برقرار کرده‌اند. مجموعه این دیدگاه‌ها با عنوان نظریه اقتصادی جرم بررسی می‌شود.

در پژوهش انجام شده توسط گار، مشخص شد که فقر و ثروت با وقوع جرم عام، همبستگی دارد. پس هم فقر و هم نابرابری، با بزهکاری بویژه بزهکاری خشونت‌آمیز، همبستگی دارند. گرچه امیل دورکیم، نابرابری اجتماعی را یک وضعیت انسانی بهنجار و ناگزیر تلقی می‌کند که با بیماری‌های اجتماعی مانند جرم همبسته نیست، مگر این که یک فروشکستگی هنجارها یا قواعد اجتماعی نیز وجود داشته باشد. ساترلند نیز رابطه بنیادهای اقتصادی و بزهکاری را مورد توجه قرار داده و به این نتیجه می‌رسد که عامل اقتصادی نقش اساسی در بروز بزهکاری ندارد و فقر زمانی در بزهکاری ایفاگر نقش مهمی است که در کنار خود از یک سو برخوردار از رفتارهای جنایی و سرمشق‌های فاسد باشد و از سوی دیگر، فاقد نمونه‌هایی از رفتار ضدجنایی و انسان‌های نیکوکار و باتقوی و مردان شرافتمند باشد. (کی‌نیا، ۱۳۸۸، ۲۱۹)

بحران‌های اقتصادی ناگهان تعدادی از اشخاص را از استقلال و حتی از ثروت، محروم و دچار وابستگی و فقر می‌سازد. بعضی در مقابل وسوسه‌های شیطنانی به قدری ضعیف هستند که

نمی‌توانند خود را با اوضاع و احوالی که برای آن‌ها به وجود آمده است، تطبیق دهند و برای چاره‌جویی به جرایم سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، ولگردی و گدایی رو می‌آورند. قحطی و گرسنگی، این اشخاص را به نومیدی سوق می‌دهد. در نومیدی دست به شورش، ضرب و جرح و اهانت نسبت به نمایندگان قدرت عمومی و حافظان نظم می‌زنند. (کی‌نیا، ۱۳۸۸، ۱۸۷)

شرایط بد اقتصادی، حس افراد را در زمینه ارتکاب جرم، تغییر می‌دهد و مشکلات اقتصادی، فضای ناامنی را در خانواده‌ها ایجاد می‌کند. بزهکاری ناشی از عدم تعادل و بروز اختلال در منش است. فقر اقتصادی مانع از رشد عقلی می‌شود و بطور غیرمستقیم در هوش اثر می‌گذارد. فاوژ بوتونیه، مدیر آزمایشگاه روانشناسی بالینی در دانشگاه پاریس، درباره بهره‌هوشی کودکان سیاه‌پوست آمریکایی در ایالات متحده آمریکا، به این نتیجه رسید که این کودکان در مقام مقایسه با کودکان سفیدپوست هم‌سن خود، از بهره هوشی پایین‌تری برخوردارند. باید به یاد داشت که شرایط اقتصادی خانواده‌های سیاه‌پوست به مراتب پایین‌تر از خانواده‌های سفیدپوست بوده است. لذا تغییرات سطح اقتصادی، تغییرات سطح هوشی را در پی داشته است (کی‌نیا، ۱۳۸۸، ۱۹۶)

علت یابی اقتصادی جرم در نظریه فشار: انسان‌ها ذاتاً منحرف نیستند، بلکه در اثر فشار به سوی جرم کشیده می‌شوند. منشأ اغلب جرم‌هایی که در جامعه ارتکاب می‌یابد، به این دلیل است که افراد برای به دست آوردن ارزش‌هایی مانند ثروت و موقعیت مالی بهتر تلاش می‌کنند، ولی از طریق ابزارهای مشروع نمی‌توانند آن را کسب کنند، بنابراین به شیوه‌های نوینی برای به دست آوردن ثروت روی می‌آورند. (بخارایی، ۱۳۸۶، ۴۶۰)

ابعاد جرم‌زدایی قانون هدفمندسازی: جرم به عنوان یک پدیده انسانی و اجتماعی، از تمام ابعاد زندگی انسان تأثیر می‌پذیرد. سیاست‌های اقتصادی، از یک سو زمینه جرم‌زایی برخی از جرایم را کاهش داده و از سوی دیگر بستر ارتکاب جرایم جدید و طیف جدیدی از بزهکاران و بزه‌دیدگان را فراهم می‌آورد.

با حذف یارانه از کالاهای اساسی و پرداخت نقدی آن، جرایم جدیدی به سیاهه جرایم اضافه شده و دستگاه عدالت کیفری را مستأصل نموده است. از سوی دیگر افراد جدیدی در معرض بزه‌دیدگی قرار گرفته‌اند که حمایت از آن‌ها، راهکارهای منطقی‌تری را طلب می‌کند.

تأثیر غیرمستقیم بر بزهکاری و افزایش نابرابری و کاهش رفاه خانوارها: در مناطقی که نابرابری درآمدی بیشتر است، انگیزه اقتصادی قوی‌تری برای ارتکاب انواع جرایم وجود دارد.

«کارلن» می‌گوید: «افزایش شدید نابرابری و ثروت، با افزایش شمار زندانیان همراه بوده است. این مسأله چندان تعجب‌آور نیست. زندان‌ها برای هر مقصودی که درست شده باشند، همواره شمار زیادی از فقرا، بیکاران، از کارافتادگان را در خود جای داده‌اند» (والک لیت، ۱۳۸۶، ۱۷۷).

جرم‌شناسان معتقدند، که نابرابری درآمد در جوامع مختلف، هم تولید فشار می‌کند و هم باعث افزایش میزان جرم در آن‌ها می‌شود، زیرا شکاف عمده بین فقیر و غنی، کینه‌توزی و عدم اعتماد را بوجود می‌آورد و چنین وضعیتی، سرانجام به خشونت و جرم می‌انجامد. در جوامعی که در آن‌ها نابرابری درآمد افزایش یافته است، یک نوع حقارت و سرافکنندگی در افراد کم‌درآمد ایجاد می‌شود که این عامل باعث انگیزه‌های مجرمانه در برخی از این افراد خواهد شد. اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، اثرات مستقیمی بر توزیع درآمد بر جای گذاشته است. با توجه به اینکه یارانه‌ها بصورت برابر میان همه گروه‌های درآمدی توزیع شده است، بازتوزیع درآمد به نفع دهک‌های پایین درآمدی و به زیان دهک‌های بالای درآمدی خواهد بود. انتظار می‌رود در اثر اجرای این قانون، بخشی از درآمد اقشار بالای درآمدی به اقشار پایین منتقل شود. اما آنچه برای گروه‌های پایین درآمدی مهم‌تر است، وضعیت رفاه آنان به صورت مطلق است. طبق ماده ۱ قانون هدفمندی، بهای حامل‌های انرژی افزایش یافته است. این افزایش، گذشته از بالا بردن هزینه خانوارها در بخش هزینه‌های سوخت، برق، آب، گاز و ترابری، به افزایش بهای کالاها و خدمات خواهد انجامید. بانک مرکزی، مرکز پژوهش‌های مجلس و مرکز پژوهش‌های وزارت بازرگانی، تورم برآمده از اجرای این قانون را به ترتیب ۲۹/۵، ۵۲/۶ و ۱۹/۳ پیش‌بینی کرده‌اند (عمرانی و دیگران، ۱۳۸۹، ۶). لذا خانوارها باید علاوه بر اینکه بخشی از یارانه نقدی خود را صرف پرداخت هزینه آب، برق، سوخت و غیره که قیمت آن‌ها افزایش یافته است، نمایند، بخشی دیگر را نیز باید به دلیل افزایش قیمت سایر کالاها که از اجرای این قانون ناشی شده است، صرف نمایند. فرآیند افزایش تدریجی قیمت‌ها، میزان هزینه‌های گروه‌های پایین درآمدی را به مرور افزایش خواهد داد.

افزایش تورم عموماً به اقشار کم‌درآمد، بیش از اقشار پردرآمد زیان خواهد رساند. و ممکن است، تورم آنقدر افزایش یابد که افزایش هزینه‌های خانوارهای کم‌درآمد. از یارانه نقدی آنان پیشی بگیرد و در نتیجه وضعیت رفاهی آنان را به صورت مطلق نه تنها بهبود نبخشد، بلکه بدتر نیز کند.

تراویس هیرشی^۱، در نظریه کنترل بزهکاری^۲، معتقد است اعمال بزهکارانه زمانی اتفاق می‌افتد که پیوند یا اتصال فرد با جامعه ضعیف یا شکسته می‌شود و برای بزهکار شدن فرد نیازی به عوامل انگیزشی نیست؛ تنها عامل مورد نیاز، فقدان کنترل است که به فرد این آزادی را می‌دهد که فواید جرم را نسبت به هزینه‌های آن عمل بزهکارانه بررسی کند. هیرشی معتقد است که اگر فرد، در فعالیت‌های متعارف درگیر شود، وقتش به قدری گرفته می‌شود که نمی‌تواند به رفتار انحراف‌آمیز کشیده شود. لذا بیکاری پرمعناترین شاخص بحران اقتصادی در مطالعات جرم‌شناختی است؛ زیرا فرد را از جامعه فعال بیرون می‌راند و او را حاشیه‌نشین و غیر اجتماعی می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۲۲۴، ۲۲۳-۱۳۷۰). علاوه بر آن، موجب از دست رفتن فرصت‌های درآمدی برای نیروی کار شده و هزینه‌های فرصت مشارکت در اعمال مجرمانه را کاهش می‌دهد که این مسئله می‌تواند انگیزه ارتکاب جرم و از طریق آن نرخ جرم را در جامعه افزایش دهد.

هدفمندسازی یارانه‌ها و افزایش بهای حامل‌های انرژی و نهاده‌های تولید، به تورم برآمده از فشار هزینه خواهد انجامید که در پی آن، بخش عرضه با تنگنا روبه‌رو می‌شود و می‌تواند مایه کاهش رشد اقتصادی و افزایش بیکاری شود. بیکاران آمادگی زیادی دارند تا در شرایط فشار و اضطراب به انواع جرایم اجتماعی روی آورند.

تأثیر مستقیم بر بزهکاری: شرایط اقتصادی جامعه، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر نوع و میزان جرائم می‌باشد. فلیشر، اولین اقتصاددانی که به تحلیل اقتصادی موضوع جرم و جنایت پرداخت، نقش درآمد بر تصمیم‌گیری افراد در زمینه اقدام به جرم را بررسی کرده است. وی بیان می‌کند: «نظریه اساسی در زمینه تمایل افراد کم‌درآمد به جرم، این است که کم بودن درآمد، موجب افزایش هزینه نسبی اختصاص زمان به کارهای قانونی می‌گردد» (حسینی نژاد، ۴۵، ۱۳۸۴)

در صورتی که جامعه از حیث اقتصادی در رفاه باشد، مطمئناً جرایمی نیز که ریشه در فقر و مشکلات مالی افراد دارند. کمتر به وقوع خواهند پیوست و در مقابل هرچه شرایط اقتصادی اجتماع از وضع نامطلوب‌تری برخوردار باشد، در واقع زمینه‌های ارتکاب جرائم مرتبط با معضلات مالی به حداکثر رسیده در نتیجه به میزان این‌گونه جرائم افزوده خواهد شد. (مداح، ۱۳۹۰، ۱۹۲).

^۱ . Travis Hirschi

^۲ . Control Theory of Delinquency

کلاهبرداری رفاهی: منظور از کلاهبرداری رفاهی، فریب دادن نهادهای دولتی برای اخذ امتیازهای رفاهی بیشتر است (وایت و هینس، ۱۳۸۶، ۱۵۱). عده‌ای از نویسندگان معاصر، ارتکاب جرم کلاهبرداری را با «نظریه فرصت جرم»^۱ تبیین می‌کنند. این نظریه، نسبت به نقش شخصیت در گذر از اندیشه به فعلی، بی‌اعتنا است و افزایش میزان کلاهبرداری در وضعیت کنونی را، با رشد و توسعه قابل توجه فرصت‌های کلاهبرداری توجیه می‌کند (گسن، ۱۳۸۹، ۱۰۰).

افرادی که در سطوح پایین‌تر نردبان اقتصادی-اجتماعی قرار دارند، فرصت‌های محدود شده بیشتری را نسبت به آنانی که از خانواده‌های ثروتمند یا مرفه هستند، تجربه خواهند کرد (روزنامه ابتکار، ۱۳۹۱، ۴). براساس بند الف ماده ۷ قانون هدفمندی، پرداخت یارانه نقدی براساس میزان درآمد خانوار و به سرپرست خانوار پرداخت می‌شود. قبل از آغاز اجرای قانون، این وزارت خانه با استناد به پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده در مرکز آمار ایران، که حاوی اطلاعات اقتصادی خانوارها بود، اقدام به طبقه‌بندی خانوارها در قالب سه خوشه درآمدی نمود. این ایده، که در نیمه دوم سال ۸۸ تا پای اجرا نیز رفت، به دلیل اعتراضاتی که پدید آمد و مشکلات فراوانی که ایجاد شد، از دستور کار خارج شد؛ از جمله اینکه اغلب حقوق‌بگیران دولتی را که درآمدهای کاملاً مشخصی داشتند در خوشه سوم (خوشه محروم از یارانه نقدی) قرار داده بود و برخی سرمایه‌داران بزرگ را در خوشه اول و دوم. با وجود این، درنهایت اعلام شد که به «همه درخواست‌کنندگان» به طور مساوی یارانه نقدی پرداخت خواهند کرد (واعظ، ۱۳۹۰، ۴).

احتکار کالا: از نظر حقوقی، احتکار عبارت است از این که کسی کالای مورد احتیاج و ضروری عامه را زیاده از مصرف خود داشته و برای جلوگیری از فروش به دولت یا مردم، پنهان کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴، ۱۵). آخرین قانون لازم‌الاجرائی که مبادرت به تعریف احتکار نموده است، قانون نظام صنفی کشور، مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ می‌باشد که در ماده ۶۰ آن، احتکار این‌گونه تعریف شده است: «احتکار؛ عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمده با تشخیصی مراجع ذیصلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت بازرگانی یا سایر مراجع قانونی ذیربط». احتکار در دوره گسترش و توزیع کالا ایجاد می‌شود. در این مرحله تقاضا برای کالا در حال افزایش است و عرضه‌کنندگان جدید وارد بازار می‌شوند. اگر فرآیند توزیع یک روند سالم را طی کند، توزیع در شرایط رقابت کامل و آزاد

^۱. Crime opportunity theory

انجام می‌شود. حال اگر ایجاد عدم اطمینان توسط عرضه‌کننده، موجب شود که مصرف‌کننده تصور نماید که کالا در آینده به دستش نخواهد رسید یا حداقل با دشواری بیشتری برای تهیه آن روبه‌رو خواهد گشت، به مقادیر بیشتری از آن روی می‌آورد. احتکار، یک جرم اقتصادی است؛ زیرا موجب اختلال در نظام توزیع و عرضه و تقاضا گردیده و چنانچه در سطح وسیع و حجم گسترده صورت گیرد، می‌تواند نظام اقتصادی یک کشور را هرچند به صورت موقت، فلج نماید (ساک، ۱۳۸۹، ۱۷۴). در جرم احتکار، تولیدکننده یا فروشنده علی‌رغم وجود جنس آن را عرضه نمی‌کند تا در نتیجه افزایش قیمت، سود بیشتری بدست آورد. این عمل، نوعی سوداگری است. دولت نیز با اتخاذ سیاست‌های ناپایدار، می‌تواند زمینه ارتکاب به این عمل را در جامعه ایجاد کند. دخالت‌های بیجا و سنسجیده از جانب متصدیان دولتی در امر عرضه و قیمت‌گذاری کالا می‌تواند سرچشمه برخی اقدامات احتکارآمیز باشد.

گسترش فساد اقتصادی: دولت‌ها برای تضمین کارآمدی خود تلاش می‌کنند سیاست‌های کارآمدی را برای رسیدن به اهدافی که مطلوب می‌دانند، تنظیم و آن‌ها را با توجه به منابع کمیابی که دارند، با نهایت تأثیربخشی اجرا کنند. در این میان، حفظ حقوق و آزادی‌های مردم، پاسخگو بودن در برابر نظریات مردم، حفظ و ارتقای مشروعیت دولت و... نیز مطرح می‌شود. مجموعه این مباحث، در دو دهه اخیر با عنوان «حکمرانی خوب»^۱ بیان شده است. رسیدن به حکمرانی خوب موانع گسترده‌ای دارد و یکی از عمده‌ترین موانع آن، فساد است (فاضلی، ۱۳۸۸، ۱۳).

براساس تحقیق سازمان شفافیت بین‌المللی، مداخله دولت در اقتصاد نیز، از علل ایجاد فساد پنداشته می‌شود. در جایی که دولت سیاست‌های تبعیض‌آمیز، کنترل قیمت‌ها، چندگانگی نرخ ارز، تخصیص سهمیه‌های ارزی و موارد مشابه را انجام می‌دهد، زمینه‌های بروز فساد پیدا می‌شود (فرچ‌پور، ۱۳۸۳، ۵۱). فساد در اشکال مختلف آن، بر نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی، چگونگی تخصیص منابع اساسی، توسعه اقتصادی ملت‌ها و رفاه نسل‌های آتی آن‌ها تأثیرات مخرب دارد (راغفر، ۱۳۸۹، ۱۱۵).

«مطابق برآوردهای مسئولان دولتی، حجم یارانه‌ها در شرایط فعلی حدود یکصد هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. اگر مجریان قانون بتوانند این حجم از درآمد را جمع‌کنند، توزیع این حجم از پول در بین حدود ۵۰ میلیون نفر، که زیر چتر یارانه‌های نقدی قرار گرفته‌اند، زمینه

^۱ . Good Governance

ایجاد و گسترش فساد اقتصادی را فراهم می‌کند. همچنین به دلیل تبصره‌های متعدد در متن قانون و راهکارهای اجرای آن به صورت مرحله‌ای، زمینه برای چانه‌زنی مدیران شرکت‌های دولتی تولیدکننده کالاهای یارانه‌ای، فراهم می‌شود و به دلیل شرایط انحصاری بودن اغلب این بنگاه‌ها و تنگنای تولید و نیاز جامعه به تولیدات آن‌ها، زمینه دور زدن قانون برای این بنگاه‌ها فراهم و موفقیت اجرایی آن با ابهام روبه‌رو خواهد شد» (جنت، ۱۳۸۸، ۲۸). واگذاری اعطای یارانه‌های نقدی به بانک‌های کارگزار و عدم نظارت صحیح بر عملکرد آن‌ها، می‌تواند در سوءاستفاده‌های اقتصادی مدیران نالایق، تأثیرگذار باشد.

دستیابی قانون هدفمندسازی یارانه‌ها به اهداف مورد نظر سیاست‌گذاری شده:

سیاست‌گذاری عمومی را می‌توان فرآیندی پیچیده و پویا دانست که در آن اجزا و عناصر مختلفی موثرند و هدف آن باتوجه به مصلحت و منافع عامه، تصمیم‌گیری در تعیین خطوط اصلی و اساسی فعالیت‌ها و عملیات آینده دولت و بخش عمومی می‌باشد. به عبارت دیگر سیاست‌گذاری عبارت است از تدوین و ارائه ضوابط و موازینی که در آن سیاست کلی دولت و مصالح جمعی ملت مورد توجه قرار گرفته باشد (الوانی، ۱۳۹۰، ۲۹).

ضرورت بکارگیری شیوه عقلایی در تعیین سیاست عمومی بیشتر بدان علت است که مردم و جامعه از مراجع حکومتی انتظار دارند که منطقی عمل کنند و منابع و امکانات بدرستی مورد بهره‌برداری قرار گیرند. آنان انتظار دارند دستگاه دولت بهترین شیوه‌ها را برای رسیدن به اهداف نهایی جامعه برگزیند (الوانی، ۱۳۹۰، ۲۹). سیاست‌گذاری اقتصادی نیز به همین ترتیب مبتنی بر شاخص‌هایی از جمله عقلانیت اقتصادی است. عقلانیت اقتصادی باید به کنترل فرآیندهای تولید، توزیع و مبادله و تحول فناورانه منجر گردد. دولت مدرن نماد عقلانیت در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصادی است. بنابراین تحقق مشروعیت عقلایی برای حکومت‌ها در شرایطی امکان‌پذیر است که تصمیم‌گیران دولت مدرن بتوانند برای رسیدن به اهداف حکومتی به فرآیندهای وابسته به سیاست‌گذاری اقتصادی توجه نمایند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۰، ۲۲).

جیمز دیویی معتقد است: سیاست‌گذاری اقتصادی در ارتباط با موضوعات و حوزه‌هایی انجام می‌گردد که آثار و پیامدهای آن بر زندگی اجتماعی و اقتصادی طیف گسترده‌ای از شهروندان تأثیر به‌جا می‌گذارد. بنابراین هرگونه تصمیم‌گیری در حوزه عمومی که دارای ماهیت اقتصادی است یا اینکه پیامدهای اقتصادی به‌جا می‌گذارد در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی قرار می‌گیرد (Williams, 1999, 66)

ارزیابی قانون هدفمند کردن یارانه ها: همانگونه که پیش تر گفته شد اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها (به عنوان نمونه ای از سیاستگذاری اقتصادی) از طریق حذف یارانه های غیر مستقیم و آزادسازی قیمت حامل های انرژی و بازتوزیع درآمد حاصل این آزادسازی بین اقشار جامعه، اهداف چندگانه ای را دنبال می کند.

بهبود و توزیع عادلانه درآمد: مهم ترین گام در تحقق اهداف هدفمندسازی یارانه ها، شناسایی افراد فقیر و سپس هدایت منابع حاصل از اجرای قانون به سمت آن ها، برای دستیابی به آرمان های عدالت خواهانه و بهبود توزیع درآمد در جامعه است.

بر اساس اصول علم اقتصاد، وجود نابرابری گسترده در توزیع درآمد به بروز فقر و افزایش دامنه آن منجر می گردد. البته با توجه به عدم یکسان بودن فرصت ها و استعدادها، صحبت از توزیع درآمد کاملاً یکسان، موضوعیت ندارد، اما زیاد بودن فاصله طبقاتی نیز ویژگی یک اقتصاد ناسالم است (قنبری و همکاران، ۴، ۱۳۹۰). و اتخاذ روش مناسب جهت شناسایی گروه های هدف مسئله مهمی است که پیش از هر اقدامی باید در خصوص آن تصمیم گیری شود.

توزیع درآمد: بررسی های اقتصادی در مطالعه تغییرات توزیع درآمد، از روش های متعددی مانند شاخص جینی، منحنی لورنز، منحنی آتکینسون، نسبت سهم بالاترین دهک به پایین ترین دهک، شاخص تمرکز و شاخص کاکوانی بهره می جویند. با وجود تنوع، انتخاب روش در این زمینه با توجه به مزایا و معایب و هدف پژوهش صورت می گیرد. برای بررسی عمیق تر عملکرد عدالت جویانه دولت، نوسان برخی شاخص های موثر بر توزیع درآمد؛ مانند نرخ ارز، نرخ بیکاری، نرخ رشد اقتصادی نیز بررسی شده اند.

این موضوع در نگاه اول حاکی از بهبود توزیع درآمد در کشور و در نتیجه تحقق عدالت است. اما در حقیقت از این کاهش که متاثر از پرداخت یارانه نقدی بوده، به دلایل زیر نمی توان به صراحت نتیجه گرفت که نابرابری کاهش یافته است (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲، ۲۴)

۱- داده های بکار گرفته شده مربوط به هزینه است نه درآمد، لذا افت آن نمی تواند مربوط به کاهش بعد خانوار دهک های بالایی باشد، مگر آن که سرانه در نظر گرفته شده باشد.

۲- ظاهراً در محاسبه ضرایب جینی از داده های دهکی استفاده شده و نابرابری های درون دهک ها لحاظ نشده، البته چون برای دو مقطع زمانی چنین بوده می توان فرض کرد درون دهک ها توزیع ثابت بوده است.

۳- یک قاعده کلی این است که در شرایط رکودی به دلیل افت بیشتر در درآمد گروه‌های پردرآمد، توزیع متعادل‌تر می‌شود. اما فقر نیز به دلیل کاهش کمک‌های دولت به گروه‌های فقیر افزایش می‌یابد.

۴- در توجیه و تفسیر ضریب نابرابری همواره باید شاخص‌های کلان هم مدنظر قرار گیرد. اساساً پذیرفتن کاهش نابرابری در شرایط تورمی قدری مشکل است. در شرایطی که شاخص فلاکت (نرخ تورم + نرخ بیکاری) افزایش یافته، حتی بهبود توزیع درآمد به معنای کاهش فقر نیست. به هر حال اگر حتی بهبود توزیع را بپذیریم به هیچ‌وجه به معنای کاهش فقر نیست.

۵- مطالعات اگرچه نشان می‌دهد وضعیت دهک اول و آخر در سال اول اجرای هدفمندی بهبود داشته اما همزمان وضعیت دهک‌های میانی تخریب گردیده است. البته می‌توان انتظار داشت در نتیجه تورم دو سال اخیر وضعیت دهک اول نیز بدتر شده باشد. به‌ویژه آنکه تورم از ناحیه مواد غذایی که سهم بالاتری در هزینه خانوار کم‌درآمد دارد، بالاتر بوده است.

۶- تنها مقایسه نسبت دهک آخر به دهک اول نمی‌تواند ملاک سنجش باشد. این پدیده خود به معنای بدتر شدن توزیع می‌باشد که در مقایسه دهک اول و آخر بیان نمی‌شود و طبقه میانی نقش اصلی را در رشد اقتصادی و کیفیت آن بازی می‌کند.

۷- وقتی در اقتصادی سیستم حمایتی گسترده به‌ویژه در قالب کمک هزینه مصرفی برقرار است، داده‌های مخارج مصرفی به‌ویژه از جانب گروه‌های کم‌درآمد باید مورد تعدیل قرار گیرد. زیرا در چنین شرایطی گروه درآمدی برای بهره‌مندی از حمایت بیشتر در اعلام مخارج مصرفی دچار اضافه‌گویی است که این خود بر اندازه شاخص‌های نابرابری اثرگذار است.

این درحالی است که بررسی عوامل موثر بر ضریب جینی و توزیع درآمد نیز وضعیت مناسبی را نشان نمی‌دهد. شاخص سالیانه تورم از ابتدای سال ۱۳۸۹ روند صعودی به خود گرفته و از متوسط ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۹ به متوسط ۲۰ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافت و در پایان سال ۱۳۹۱ به ۳۰ درصد رسید. همچنین اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در سال‌های اخیر، همچون سیاست تعدیل دوره سازندگی بر فاصله کشورمان با کشورهای همسایه افزوده و نرخ تورم کشور در سال‌های اجرای قانون به ترتیب ۵/۹، ۱۲/۳ و ۱۹/۸ درصد بیش از تورم منطقه بوده است. این موضوع درخصوص تورم جهانی نیز صادق است، چنانکه پس از اجرای سیاست مذکور درصد تغییر تورم کشورمان با متوسط جهانی به ترتیب ۸/۷، ۱۶/۶ و ۲۶/۶ بوده است. (طباطبایی یزدی و شهبازی، ۱۳۹۲). همزمان با تورم، رشد نقدینگی و پایه پولی، که ناشی از سوء

مدیریت دولتی بوده، نیز تا حد زیادی وضعیت توزیع درآمد و نتایج عدالت‌جویانه مورد نظر برای قانون را با چالش مواجه و در عمل پرداخت نقدی یارانه را بی‌تاثیر ساخت. تورم مذکور تماماً متأثر از هدفمندی یارانه‌ها نمی‌باشد. در ادبیات اقتصادی علل تورم به سه دسته تقسیم می‌شوند: تورم ناشی از تقاضا، تورم ناشی از فشار هزینه و تورم ساختاری.

۹ تورم ناشی از تقاضا: طی سال‌های اخیر و تحت تاثیر درآمدهای سرشار از فروش نفت، دولت سیاست‌های پولی و مالی انبساط متعددی را درپیش گرفت. سیاست‌های انبساطی مالی عبارتند از: پرداخت یارانه نقدی، اجرای طرح‌هایی مانند طرح مسکن مهر و بنگاه‌های زودبازده از محل منابع بانک‌ها به‌ویژه بانک مرکزی، که موجب افزایش بدهی دولت به بانک‌ها و بانک مرکزی که موجب افزایش بدهی دولت به بانک‌ها و بانک مرکزی و گسترش نقدینگی گردید.

آنچه بیش از تزریق مازاد نقدینگی مخرب است، نحوه هدایت نقدینگی است، که متأسفانه در کشور ما به سوی فعالیت‌های غیر مولد و سوداگرانه است. درحقیقت کیفیت بالای نقدینگی و بسترهای صحیح اقتصادی موجب می‌شود، کیفیت نقدینگی مخرب نباشد.

تورم ناشی از فشار هزینه: اقتصاد ایران مشخصات یک اقتصاد باز و کوچک را دارد. چراکه از یک طرف صادرات و واردات سهم عمده‌ای در اقتصاد ملی دارد و صادرات نفت و واردات کالاهای سرمایه‌ای از نیازهای اصلی اقتصاد ملی محسوب می‌شوند. از طرف دیگر نیز اقتصاد ایران نسبت به اقتصاد جهانی به اندازه‌های کوچک است که نمی‌تواند بر اقتصاد جهانی تاثیر معناداری داشته باشد.

افزایش تحریم‌های خصمانه علیه ایران، باعث شده است توان تولیدی در اقتصاد ملی کاهش یابد. این تحریم‌ها باعث شده تا ورود کالاهای سرمایه‌ای (ماشین‌آلات و تجهیزات) و همچنین کالاهای مصرفی کاهش یابد، لذا بخش‌هایی از اقتصاد ملی که بر پایه تجارت این کالاها بنا شده بودند، با کاهش شدید تولید مواجه شده‌اند. بدین ترتیب بخشی از تورمی که هم‌اکنون در ایران شاهد آن هستیم ناشی از کاهش تولید (افزایش هزینه تولید) در نتیجه تحریم‌های غرب علیه ایران است.

همچنین اعمال تحریم‌ها و کاهش درآمدهای نفتی باعث شد، عرضه در بازار کاهش یابد. کاهش عرضه ارز و افزایش تقاضا ناشی از شکل‌گیری انتظارات قیمتی باعث گردید نرخ ارز به طور عمده‌ای افزایش یابد. افزایش نرخ ارز، کاهش واردات کالاهای مصرفی و صادراتی را در پی داشت

و باعث افزایش تورم در اقتصاد داخلی گردید. نرخ تورم به تنهایی ملاک مناسبی برای مقایسه روند اقتصادی کشورها نیست. (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۱/۱۰/۴)

توجه به نرخ رشد اقتصادی کشور ایران نیز ضروری است، چراکه تنها در این صورت امکان تحمل تورم و موفقیت قانون هدفمندی در تعدیل اقتصاد و توزیع درآمد شهروندان آسیب‌پذیر ممکن می‌شود. بر این اساس در ادامه نرخ رشد اقتصادی کشور را برحسب نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بررسی و وضعیت کشور با کشورهای منطقه و متوسط جهان مقایسه شده است. کمترین متوسط رشد اقتصادی در سه دوره گذشته مربوط به دوره اجرای قانون هدفمندی بوده و برخلاف نیاز اقتصادی کشور به رشد، عملکرد اقتصادی دولت در شاخص رشد اقتصادی، با اجرای قانون دچار افول و حتی رشد منفی شده است.

بنا به برآورد مرکز پژوهش‌های مجلس طی دوره ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ به شکل متوسط به ازای هر یک درصد رشد اقتصادی در هر سال، ۲۲/۸ میلیارد دلار هزینه شده است (این رقم در دوره ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، ۴/۵ میلیارد دلار بوده است). این وضعیت حکایت از آن دارد که در طول دولت‌های نهم و دهم، استفاده از منابع ارزی در کشور به شدت نابهینه بوده و در نتیجه بخش بزرگی فرصت‌های توسعه‌ای در اقتصاد کشور به دلیل همین مدیریت ناکارآمد، از دست رفته است. نرخ بیکاری نیز به عنوان یکی از متغیرهای موثر بر توزیع درآمد، نیز طی این مدت تغییر چندانی را در کشورمان شاهد نبوده است.

تغییر در نرخ ارز، مجموعه‌ای از تغییرات متفاوت و چه بسا متضاد را در بخش‌های داخلی و خارجی اقتصاد به همراه دارد. این اثرگذاری به خاطر نقشی است که این نرخ در تعیین قدرت رقابتی تولیدکنندگان داخلی در برابر رقبای خارجی در بازارهای داخلی و خارجی ایفا می‌کند که همه این عوامل در نهایت آثار خود را در میزان تولید و اشتغال برجای می‌گذارند. نرخ ارز، همچنین بر سطح عمومی قیمت‌ها و به تبع آن بر تورم اثرگذار است که این نیز خود از جهتی دیگر می‌تواند بر قدرت رقابتی تولیدکنندگان و نیز سطح تولید و اشتغال اثرگذار باشد، لذا با توجه به پیامدهای گسترده نرخ ارز در عملکرد اقتصادی کشور، تعیین نرخ ارز و سیاست گذاری‌های ارزی از اهمیت بالایی برخوردارند.

کاهش مصرف و بهره‌وری انرژی: یکی از عمده استدلال‌های دولت نهم در پیگیری قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، بالابودن شدت مصرف و بهره‌وری پایین انرژی در کشور بود. با افزایش قیمت حامل‌های انرژی می‌توان شدت مصرف این منابع ارزشمند را کاهش (به ویژه بخش تولید)

و بخش تولید را به بهره‌گیری از تکنولوژی‌های جدید، ترغیب نمود و از این طریق بهره‌وری انرژی را افزایش داد. بر این پایه با اجرای قانون در اواخر سال ۱۳۸۹، شاهد افزایش یکباره و چشمگیر قیمت حامل‌های انرژی بودیم.

دولت با افزایش قیمت‌ها انتظار کاهش مصرف عمده‌ای را داشت و در عمل نیز طبق اطلاعات ترانزنامه انرژی کشور مصرف برخی حامل‌ها (بنزین و نفت سفید و نفت گاز) در سال نخست اجرای قانون علی‌رغم افزایش قیمت کاهش یافتند، اگرچه کاهش مصرف در خصوص برخی حامل‌ها را شاهد بوده‌ایم، اما میزان این کاهش در عمل ناشی از اقدامات تکمیلی دولت بوده (از جمله سهمیه‌بندی، صدور کارت هوشمند سوخت، کنترل توزیع سیلندرهای گاز مایع) و یا به اندازه‌ای چشمگیر و قابل اتکا نیست که امکان برگشت به میزان مصرف قبلی، به‌ویژه باتوجه به رشد طبیعی مصرف، از بین برود.

باتوجه به افزایش شدید قیمت حامل‌های انرژی در فاز نخست، کاهش مصرف انرژی کمتر از حد انتظار بوده و در برخی موارد (نفت کوره و نفت گاز و گاز طبیعی)، مصرف انرژی مانند سال‌های گذشته، روندی افزایش داشته است. تنها تغییر نسبتاً فاحش، کاهش سهم فرآورده‌های نفتی و افزایش سهم گاز طبیعی در مصرف نهایی بوده است. بنابراین لازمه اثربخشی تغییر قیمتی برای کاهش تقاضای هر نوع کالا یا خدمت آن است که کشش‌پذیری قیمت مربوط به آن معقول باشد، حال آنکه تقریباً در بسیاری از مطالعات انجام شده مربوط به اقتصاد ایران در دهه گذشته، این اتفاق نظر وجود دارد که کشش‌پذیری حامل‌های انرژی از نظر قیمت برای تقاضا بسیار اندک است (ختایی و اقدامی، ۱۳۸۴ و مشیری و همکاران، ۱۳۹۰).

کاهش قاچاق حامل‌های انرژی: انگیزه اصلی برای تجارت بین کشورها، وجود اختلاف قیمت بین کالاهای قابل مبادله است که زمینه را برای صادرات یا واردات فراهم می‌کند. هنگامیکه کالایی در داخل، ارزان‌تر از خارج باشد و دولت صادرات آن کالا را از کانال‌های قانونی مانع نماید، یکی از پیامدهای ناخواسته، تشویق به خروج و صدور غیرقانونی به آن سوی مرزها است که به تشکیل بازار سیاه و غیررسمی یا قاچاق به خارج می‌انجامد.

پیش از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، باتوجه به اختلاف قیمت حامل‌های انرژی در ایران و کشورهای همسایه، شاهد قاچاق این کالا بودیم. در واقع مهم‌ترین دلایل قاچاق حامل‌های انرژی، یارانه‌های دولتی و پرداخت نشدن قیمت‌های واقعی از سوی مردم بود. با اجرای فاز اول قانون هدفمندی یارانه‌ها و افزایش قیمت حامل‌های انرژی، انتظار می‌رفت پدیده قاچاق در

کشور نیز کاهش یابد، باتوجه به اینکه در مورد بیشتر حامل‌های انرژی، قیمت‌های داخلی همچنان در سطحی کمتر از قیمت‌های بین‌المللی آن است، قاچاق برخی حامل‌های انرژی ادامه دارد. در واقع با کاهش ارزش پول داخلی و برهم خوردن قیمت‌های نسبی مورد انتظار و افزایش قیمت سوخت جهانی، نمی‌توان انتظار داشت که قاچاق حامل‌های انرژی کاهش یافته یا به صورت کامل از بین رفته باشد.

اصلاح کارایی اقتصادی و قیمت‌های نسبی: یکی از دلایل مهم برای اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، نادرست بودن قیمت‌های نسبی بود که نمی‌توانست علایم مناسبی را برای کارگزاران اقتصادی جهت هدایت آن‌ها به سمت بخش‌های اقتصادی کارا بدهد. اعتقاد بر آن بود که با نزدیک شدن قیمت‌های انرژی به قیمت‌های واقعی و همچنین نزدیکی آن به قیمت‌های جهانی، الگوی تولید و مصرف به سمت عقلانیت و بهینه شدن حرکت و از این طریق، کارایی اقتصادی افزایش یابد.

طبق آمار ارائه شده توسط مقام‌های رسمی، ایران طی سال ۱۳۹۰ چهار میلیارد و یکصد میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی (از مجموع جهانی یک تریلیون و ۵۳۶ میلیارد دلار) در پروژه‌های مختلف جذب کرده است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۲/۳۱)، در سال ۲۰۱۱ جذب سرمایه‌گذاری کشورمان تنها در حدود ۲۵ درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ترکیه و عربستان بوده است. اعتقاد بر آن است که دولت‌ها موظفند شرایطی مهیا کنند که از طریق بهبود فضای کسب و کار، افزایش بهره‌وری و فراهم نمودن پیش‌نیازهای مربوطه، حداکثر رفاه در اقتصادهای ملی فراهم گردد. اما رشد و توسعه اقتصادی در غیاب محیط مناسب نهادی تحقق نمی‌یابد.

هزینه‌های اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها برای دولت، بخش خصوصی و شهروندان

هزینه‌های تورمی: یکی از مهم‌ترین هزینه‌های اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، هزینه‌های تورمی ناشی از آن بود. تا پیش از اجرای طرح، تقریباً تمامی کارشناسان و سیاست‌گذاران اقتصاد ایران، اثرات تورمی ناشی از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها را پذیرفته بودند، اما میزان تأثیر اجرای آن بر قیمت‌ها و نرخ تورم، مورد بحث بود. سیاست‌گذاران اقتصادی و برخی از کارشناسان اعتقاد داشتند که در اثر اجرای این قانون تورم بسیار بالایی در انتظار اقتصاد ایران نخواهد بود.

پس از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، اثرات تورمی ناشی از اجرای این قانون باتوجه به واقعیت‌های اقتصاد ایران در زمینه قیمت‌ها و تورم قابل بررسی بود. برای تحلیل بهتر ابتدا باید میان اثرات مستقیم و غیرمستقیم ناشی از اجرای قانون بر سطح عمومی قیمت‌ها و نرخ تورم، تفکیک قائل شد. از آنجا که کالاهای یارانه‌ای به‌ویژه انرژی، جزئی از سبد مصرفی شاخص می‌باشند، افزایش قیمت این کالاها، به طور مستقیم اثر افزایشی بر سطح عمومی قیمت‌ها خواهد گذاشت. این اثر مستقیم خالق یک اثر تورمی است که بلافاصله در همان دوره اصلاح قیمتی ایجاد می‌شود. این اثر تورمی در افزایش ناگهانی نرخ تورم فصلی به ۸/۹ درصد در زمستان سال ۱۳۸۹ (دوره اصلاح قیمتی)، دیده شده است. برآوردهای صورت گرفته حاکی از افزایش ۴/۳ واحد درصدی سطح عمومی قیمت‌ها ناشی از اثرات مستقیم اجرای قانون هدفمندی یارانه‌هاست.

از آنجا که انرژی یک عامل تولید نیز می‌باشد، طبیعی است که افزایش قیمت آن در اثر اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، از طریق افزایش هزینه‌های تولید سایر کالاها، زنجیره‌ای از افزایش قیمت در سایر کالاها در یک دوره کوتاه‌مدت ایجاد خواهد کرد.

پیامدهای تورمی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها به نوعی بیانگر صحت نظریه پولی تورم در مقابل نظریه تورم فشار هزینه بوده و نشان می‌دهد که تأکید برخی از کارشناسان اقتصادی بر نظریه تورم فشار هزینه در دهه اخیر به‌خصوص در آستانه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، تأکید درست و معتبری نبوده و فارغ از اثرات کوتاه‌مدت، مهم‌ترین متغیر تعیین‌کننده نرخ تورم در میان‌مدت و بلندمدت نه متغیرهایی نظیر قیمت انرژی یا نرخ ارز، بلکه نرخ رشد حجم پول است.

هزینه‌های رکودی: یکی دیگر از مهم‌ترین هزینه‌های اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، هزینه‌های رکودی ناشی از آن در کوتاه‌مدت بود. متأسفانه برخلاف آمار شاخص قیمت‌ها، آمار تولید ناخالص داخلی از پاییز ۱۳۸۷ و آمار اشتغال از تابستان ۱۳۸۹ تاکنون توسط مراجع رسمی گزارش نشده‌اند. همین امر ارزیابی تجربی هزینه‌های رکودی ناشی از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها را عملاً غیرممکن کرده است.

افزایش قیمت نهاده انرژی، به طور مستقیم هزینه تولیدکنندگان داخلی را افزایش می‌دهد. این افزایش ناگهانی هزینه‌ها، حاشیه سود بنگاه‌ها را در کوتاه‌مدت با توجه به میزان انرژی برای آن‌ها کاهش خواهد داد. این افزایش هزینه‌ها در کوتاه‌مدت، توان رقابتی تولیدکنندگان داخلی

را در برابر رقبای خارجی در بازار داخلی و خارجی، تضعیف خواهد کرد. در نتیجه انتظار می‌رود که در کوتاه‌مدت، اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها موجب ایجاد یک رکود اقتصادی و کاهش تولید و اشتغال گردد. قاعدتاً در حال حاضر می‌بایست این هزینه‌های رکودی کوتاه‌مدت در اقتصاد کشور ظاهر شده باشد که به دلیل انتشار نیافتن آمار تولید و اشتغال قابل رصد کردن نیست.

پیشنهادات

برای کاهش نتایج جرایم قانون هدفمندی یارانه‌ها، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

بهبود وضعیت اشتغال و اوقات فراغت

بهبود اوضاع اقتصادی اقشار کم‌درآمد

نظارت مستمر در حین اجرای قانون و برخورد با متخلفین

کنترل و کاهش نرخ تورم در سطح کشور

با حذف سوبسیدهای پرداختی به تولیدکنندگان و یا عدم عرضه ارزان قیمت مواد اولیه، هزینه‌های تولید بنگاه‌های اقتصادی افزایش یافته و موجب کاهش اشتغال و افزایش سرقت و بزهکاری می‌شود. عدم توجه به تبعات حقوقی و اجتماعی طرح باعث بروز فساد در فرآیندهای مربوط به توزیع نقدی یارانه‌ها، بسیار محتمل، گسترده و ویرانگر خواهد بود.

در پرداخت نقدی یارانه‌ها و آزادسازی یکباره قیمت کالاها باید آثار و پیامدهای احتمالی آن‌را مدنظر قرار داد. برای حل این چالش کارشناسان پیشنهاد می‌کنند:

- حذف یارانه‌ها به تدریج صورت گیرد تا از انتظارات تورمی آن جلوگیری شود.

- در دوره حذف یارانه (دوره‌گذار) اقشار آسیب‌پذیر مورد حمایت جدی قرار گیرند. سبد کالا در اختیار آنان قرار گیرد.

- از دیدگاه‌های کارشناسان و صاحب‌نظران جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی در تهیه و اجرای این طرح استفاده شود. مهم‌ترین راه و روش مقابله با جرم اتخاذ برنامه و تدابیری اساسی و هماهنگ در رابطه با سه مسئله اساسی است:

۱. تلاش در زدودن عوامل جرم‌زا در جامعه؛ ۲. کوشش به منظور عدم تأثیر عوامل جرم‌زای موجود در جامعه بر افراد؛ ۳. کنترل عوامل مذکور برای جلوگیری از وقوع جرائم و جدیت در کشف جرائم واقع شده.

در یک سیاست جنایی جهت‌گیری شده به سمت پیشگیری از جرم، پیشبرد تدابیر جایگزین کیفرهای سالب آزادی، بازپذیری اجتماعی بزهکاران و بالاخره کمک به بزه‌دیدگان باید در کشورهای مختلف دنبال شود و گسترش یابد، یک چنین سیاستی، واکنش مناسب در مقابل مسائل بزه‌کاری که امروزه کشورهای گوناگون با آن‌ها مواجه‌اند محسوب می‌شود. آموزش، تقویت انگیزه‌های معنوی، تأمین نیازهای طبیعی و مشروع و خلاف عوامل تحریک کننده، از یک سو مراقبت همگانی و متقابل با «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه اسلامی به عمل می‌آید. از سوی دیگر، عناصر و مراحل مختلف این جنبه از سیاست جنایی اسلام محسوب می‌شوند که «جامعه مدنی» در آن سهم عمده‌ای را داراست.

نتیجه‌گیری

با اتکا به الگوی مرحله‌ای سیاست‌گذاری عمومی، به ارزیابی پسینی قانون هدفمندکردن یارانه‌ها براساس معیار نتیجه‌بخشی و میزان تحقق هر یک اهداف مورد نظر سیاست‌گذار را براساس شاخص‌های معتبر (بر مبنای آمارهای رسمی بانک مرکزی، مرکز آمار ایران و سازمان‌های بین‌المللی) یافته‌های بررسی حاکی از آن است که در زمینه توزیع درآمد علی‌رغم بهبود شاخص جینی و سهم مصرف دهک‌های بالا و پایین، کاهش در سایر شاخص‌های موثر بر توزیع درآمد (تورم، نقدینگی، رشد اقتصادی، بیکاری و غیره) نتیجه بدست آمده را خنثی کرده است. در زمینه کاهش قاچاق و کاهش مصرف و بهره‌وری حامل‌های انرژی نیز تغییرات مثبتی را شاهد نبوده‌ایم و لذا اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها توسط دولت دهم در مقام ارزیابی، موفقیت‌چندانی در تحقق معیار نتیجه‌بخشی (تحقق اهداف) نداشته است و به اهداف مورد نظر سیاست‌گذار در متن قانون دست نیافته است. علت این امر را می‌توان به مواردی مانند مسیر ناقص تحقق گام‌های طرح تحول اقتصادی، زمان انتخاب شده برای اجرای قانون، نحوه اعمال سیاست‌های مکمل در حین اجرا و میزان تبعیت دولت از قانون هدفمندکردن یارانه‌ها نسبت داد.

هدفمندکردن یارانه‌ها، مهم‌ترین برنامه در میان برنامه‌های هفتگانه طرح تحول اقتصادی است که با تمامی مردم در ارتباط است. هدف دولت از پرداخت یارانه، جلوگیری از گسترش فقر و بحران‌های اجتماعی و تلاش برای برقراری عدالت حتی به بهای تحمل فشار در بخش‌هایی از اقتصاد است. منافی ناشی از هدفمندکردن یارانه‌ها برای شهروندان و بخش خصوصی،

بسترهای تحقق اصلاح الگوی مصرف را فراهم می‌سازد که از این طریق توزیع عادلانه منابع و حمایت از اقشار کم‌درآمد و ایجاد ثبات اقتصادی برای کشور هم حاصل می‌شود.

هزینه‌های اجرای قانون طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، منجر به طرح تحول اقتصادی برای دولت، شهروندان و بخش خصوصی می‌شود. طرح تحول اقتصادی نام طرح کلان اقتصادی است که در حوزه اقتصاد ایران از جمله هدفمندکردن یارانه‌ها از سوی دولت نهم مطرح گردید. طرح تحول اقتصادی اثرات وضعی و انتقالی بسیار زیادی بر وجوه اجتماعی و اقتصادی و معیشتی خانوارهای ایرانی دارد و در این میان طرح اصلاح نظام یارانه‌ای با همان طرح هدفمندسازی یارانه‌ها بیشترین تاثیر را بر حوزه رفاه و تامین اجتماعی می‌گذارد.

به نظر می‌رسد برای کاستن از تبعات جرم‌زای قانون، توجه ویژه به تدابیر پیشگیرانه اجتماعی ضروری است. می‌توان گفت که در این نوع پیشگیری، با رویکرد کلان به عوامل بروز بزهکاری از قبیل فقر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی توجه می‌شود و با توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... در جامعه، از بروز بزهکاری جلوگیری می‌گردد. به عبارت دیگر، این نوع از پیشگیری، بر علل بنیادین جرم تمرکز می‌کند. شیوه‌های پیشگیری اجتماعی، بیشترین تمرکز را بر روی برنامه‌ها و سیستم‌های تکمیلی دارد که سعی در بهبود وضعیت بهداشت، زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت‌های شغلی و اوقات فراغت دارد تا با ایجاد محیطی سالم بتواند به هدف ایده‌آل خود مبنی بر حذف یا کاهش جرم دست یابد.

منابع

فارسی

- الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۲)، تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی، چاپ چهاردهم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران
- اردبیلی، محمد (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر میزان، تهران
- آثار هدفمندسازی یارانه‌ها و راهکارهای پیشنهادی (۱۳۸۸)، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات اجتماعی
- بخارایی، احمد (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، چاپ اول، انتشارات پژوهاک جامعه، تهران

- جوانمرد، بهروز(۱۳۸۹)، درآمدی بر دو نظریه جرم‌شناختی تراویس هیرشی، نشریه تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۴
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۸۴)، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران
- جنت، محمدصادق(۱۳۸۸)، ابعاد و نتایج طرح هدفمندکردن یارانه‌ها، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۹۹۳، ۲۴ دی.
- حسینی نژاد، سید مرتضی(۱۳۸۴)، بررسی علل اقتصادی جرم در ایران، مجله برنامه و بودجه، شماره ۹۵
- ختایی، محمود و پروین اقدام(۱۳۸۴)، تحلیل کشش قیمتی تقاضای بنزین در بخش حمل و نقل زمینی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۵
- دادگر، یدالله و نظری، روح‌الله(۱۳۹۰)، تحلیل رفاهی سیاست‌های یارانه‌ای در اقتصاد ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۲
- راغفر، حسین(۱۳۸۹)، اقتصاد سیاسی فساد در ایران، نشریه اقتصاد و جامعه، شماره ۲۶ و ۲۵
- روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۱/۹/۳۱
- روزنامه ابتکار، ۱۳۹۱/۱۰/۲۵
- بازرگانی، زمان زاده، حمید(۱۳۸۸)، بورس پس از هدفمندسازی یارانه‌ها، روزنامه دنیای اقتصاد
- ساکی، محمدرضا(۱۳۸۹)، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، انتشارات جنگل، تهران
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور(۱۳۸۰)، نظام هدفمند یارانه‌ها، تهران
- طباطبایی یزدی و شهبازی(۱۳۹۲)، مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی کشور از ابتدای برنامه اول تا دو سال اول برنامه پنجم، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گزارش راهبردی، شماره ۱۶۲
- عطایی، امید(۱۳۸۷)، ارزیابی پرسشنامه جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی خانوار، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۹۲۲۵
- عمرانی، سلمان و شاطری‌پور، شهید(۱۳۸۹) بررسی اجمالی ابعاد جرم‌شناختی قانون هدفمندی یارانه‌ها(اظهار نظر کارشناسی)، معاونت حفاظت، اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه(مرکز مطالعات اجتماعی و جرم‌شناسی)

- فیض، علیرضا (۱۳۷۰)، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر سنجش فساد، چاپ اول، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران
- فرج پور، مجید (۱۳۸۳)، فقر، فساد و تبعیض: موانع توسعه در ایران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران
- قنبری، علی، مجید آقایی و مهدیه رضا قلی‌زاد (۱۳۹۰)، بررسی تاثیر توسعه مالی بر توزیع درآمد در ایران، پژوهشنامه اقتصادی، سال یازدهم، شماره اول
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۸)، مبانی جرم‌شناسی-جامعه‌شناسی جنایی، چاپ نهم، جلد دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- گسن، ریمون (۱۳۸۹)، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی، ترجمه شهرام ابراهیمی، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران.
- مشیری، سعید، شعله باقری پرمهر و سید هادی موسوی نیکت (۱۳۹۰)، بررسی درجه تسلط سیاست مالی در اقتصاد ایران در قالب مدل تعادل عمومی پویایی تصادفی)، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال دوم، شماره ۵
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۰)، سیاست‌گذاری اقتصادی: مدل، روش، فرآیند، نشر رخداد نو، تهران
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲)، بررسی وضعیت متغیرهای کلان اقتصاد ایران -حوزه فرابخشی، دفتر مطالعات و بودجه، شماره ۱۳۱۲۵
- مداح، مجید (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل رابطه میان نابرابری درآمدی و نرخ انواع جرم در ایران، مجله سیاست‌های اقتصادی (نامه مفید)، شماره ۸۴
- مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲)، فساد مالی ایر اقتصادی، تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۷۰)، بزهکاری و شرایط اقتصادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹
- نسیبی پوراآذر، فیروز (۱۳۶۹)، بررسی انواع سوبسیدها و جنبه‌های مختلف اقتصادی آن‌ها، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

- ولد، جرج؛ برناد، توماس و اسنیپس، جعفری (۱۳۸۸)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، چاپ سوم، انتشارات سمت، تهران
- والک لیت، ساندرا (۱۳۸۶)، شناخت جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، نشر میزان، تهران
- ولیدی، محمد صادق (۱۳۷۴)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، نشر داد
- وایت، راب، هنیس، فیونا (۱۳۸۶) درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه روح‌الله صدیق بطحایی، چاپ دوم، نشر دادگستر، تهران
- وزارت نیرو (۱۳۹۲)، ترازنامه انرژی سال ۹۰، وزارت نیرو، معاونت برق و انرژی، تهران
- وزارت بازرگانی (۱۳۸۰)، هدفمند نمودن یارانه‌ها و پرداخت آن‌ها به شکل مستقیم، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران
- واعظ، زهرا (۱۳۹۰)، پس‌لرزه‌های پیامک یارانه‌ای، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۲۶۰۱

انگلیسی

- Williams, Kristen M. (۱۹۹۹), the scop and Prediction of Recidivism, Washington. De: Promis Research Project Publication